

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

موسوی

۲۴ اکتوبر ۲۰۱۶

پاسخ به چند سؤال - ۱ جنگ نیابتی

چندی قبل یکی از دوستان به نمایندگی از جمعی از خوانندگان ارجمند پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"، یک تعداد سؤال را به آدرس پورتال فرستاده و از این قلم خواسته بودند، تا پاسخ سؤالات شان را مفصلاً بنگارم. با آن که تقاضای دوستان داخل کشور برایم چیزی کمتر از فرمان معنا ندارد، مگر به دو دلیل به جای پاسخ از آنها خواستم تا خود از طریق انترنیت با مراجعه به گوگل پاسخ سؤالات شان را تهیه بدارند.

دلایلی که باعث شد تا آن پاسخ را خدمت آن دوستان ارسال بدارم، نخست عدم تناسب سن و سال و توانایی های جسمی ام و مصروفیت هائی که در کنار سایر همکاران جهت پیشبرد درست و سالم پورتال با آن دست به گریبانم از یک سو و از سوی دیگر خود را صاحب صلاحیت ندانستن در ارائه پاسخ به پرسش ها بود؛ که با تأسف مورد قبول قرار نگرفته، آن دوستان را تا جایی که از محتوای نامه های بعدی شان بر می آید از من آزرده ساخته است. امری که به هیچ صورت خواهان آن نیستم، زیرا این را به نیکوئی می دانم که بدون آنها موجودیت افرادی چون من نمی تواند نفعی برای مردم و جامعه رسانده بتواند.

با درک این نکته و جهت رفع آزرده گی آن دوستان ارجمند، خود را ناگزیر می بینم تا پاسخ به سؤالات آنها را با باز نمودن یک سلسله معنون به "پاسخ به چند سؤال" در قسمت های جدا گانه تقدیم بدارم. این که به چه اندازه پاسخهایم می تواند قناعت آن دوستان را فراهم نماید، نمی توانم پیشبینی نمایم، مگر یک نکته را به وضاحت می بینم که این پاسخ ها می تواند و باید بتواند، درب بحث های جدیدی را در آن زمینه ها بکشد. بحث هائی که با سهم گیری خوانندگان و قلم به دستان کشور می تواند ره درستی و تکامل را ببیماید.

نخستین سؤال چنین است:

جنگ نیابتی چیست؟ آیا در افغانستان جنگ نیابتی وجود دارد و یا خیر؟ اگر وجود دارد به نیابت از کدام کشور ها می باشد؟

در پاسخ به این سؤال که از طرز جمله بندی آن می شود حدس زد پرسنده "معلم" است، باید گفت:

به فهم من جنگ نیابتی که گاهی به جنگ واسطه ئی و زمانی هم جنگ وکالتی از آن یاد شده و همین چند روز قبل ضمن یکی از ترجمه های خوب همکار عزیز ما آقای "نویدی" مترادف آن را به زبان انگلیسی به "Proxy War"

مطالعه نمودیم به آن سلسله جنگ‌های گفته می‌شود که نیروها و گردانندگان اصلی جنگ روی معاذیر متعددی مانند اجتناب از درگیری رویاروی به غرض احتراز از تلفات احتمالی بالا، کم هزینه بودن یک جنگ نیابتی در مقایسه با یک جنگ مستقیم، اجتناب از تلفات نیروها و افراد کشور خودش و به جای آن با استفاده از ضرب المثل "سنگ مفت و گنجشک مفت" دیگران را به جنگ فرستادن، پنهان شدن در عقب این و یا آن نیروی بومی به منظور فریب خلق خودش و خلق‌های جهان و ... از تقابل مستقیم با دشمن خودداری ورزیده، به جای آن با کمک های تسلیحاتی، مالی، فنی، لوژستیک و حتا اعزام مشاوران و آموزگاران کشتار انسانها بدان دست می‌زنند.

بلافاصله باید بیفزایم که خلاف ادعای رسانه‌ها و جیره خواران امپریالیستی و مثنی چپ نمای مفلوک که به هر نوع خیزش آزادیخواهانه ملت‌ها و برابری طلبانه ستمکشان بی پروا مهر "جنگ نیابتی" و یا هم "جنگ بین دو ابر قدرت" زده به تخطئه جنبش‌ها و جنگ‌های آزادیخواهانه و برابری طلبانه می‌زنند، هر جنگی، جنگ نیابتی نیست. جنگ نیابتی فقط به آن جنگ‌های اطلاق می‌گردد که هدف و غرض از توسل به جنگ، برآورده ساختن و تأمین اهداف و منافع حامیان جنگ باشد، نه منافع خلق همان کشور و آنهایی که می‌خواهند به وسیله تفنگ سرنوشت‌شان را خود بنویسند.

باز هم در همین جا بی‌مناسبت نیست بیفزایم، حال ممکن است جنگی به غرض نجات کشور و بهروزی مردمش آغاز بیاید، مگر شرایط و مشکلات یک جنگ انقلابی، نیروهای درگیر جنگ را ناخواسته از طریق رفتن به دنبال امکانات جهت بقاء، در دام قدرت‌های رقیب افکنده از درون یک جنگ عادلانه و انقلابی، یک جنگ نیابتی ضد انقلابی سر بیرون نماید. امری که نه تنها در قرن گذشته باربار در همه جای، من جمله کشور عزیز خود ما، نمونه هایش را دیدیم بلکه همین چند ماه پیش جنبش خلق کرد را به همان باتلاق افکنده از بطن یک جنگ عادلانه و ترقیخواهانه، جنگ نیابتی قدرت‌های امپریالیستی سر بلند نمود.

هرگاه خواسته باشیم، سابقه جنگ‌های نیابتی را در درازنای تاریخ ورق بزنیم، شاید مبالغه نباشد اگر ادعا گردد، که جنگ‌های نیابتی در مقیاس‌های متفاوت، عمری به درازی عمر مدنیت دارد. یعنی از دیر باز قدرت‌های بزرگ زمان، جهت گسترش ساحه نفوذشان، با به هم انداختن همسایگان خرد و بزرگ و کمک آنها به منظور اشغال سرزمین‌شان در روز‌های بعد تر، به این کار دست یازیده‌اند.

خوانندگان نهایت عزیز!

امیدوارم شما نیز با من موافق باشید که نمی‌توان در یک مقاله مختصر و جهت پاسخ به یک سوال، تاریخ جوامع بشری را از همین منظر بازنگری نمود. بناءً صرف به خاطر روشن شدن بهتر قضیه به مثابه مثال‌های زنده می‌توان از جنگ‌های که در دوران به اصطلاح "جنگ سرد" در چهار گوشه جهان صورت گرفته یاددهانی نموده، تذکار داد که چگونه هر دو قدرت امپریالیستی یعنی هم امپریالیزم جنایتگستر آمریکا و هم سوسیال امپریالیزم شوروی، از طریق نفوذ در جنگ‌های آزادیبخش ملی این و یا آن کشور، آنها را از محتوای ضد امپریالیستی اش تهی نموده، به دنباله امیال شوم خودشان کشانیده‌اند.

و اما این که آیا فعلاً در افغانستان جنگ نیابتی وجود دارد و یا خیر، با تعریفی که از جنگ نیابتی داده شد، امیدوارم خود بتوانید جواب تان را بیابید. با آنها باید گفت: بلی! زیرا از آن جایی که جناح‌های درگیر جنگ حاضر در افغانستان، هیچ یک از منافع ملی و انقلابی مردم ما نمایندگی نمی‌کند، بلکه یک طرف می‌خواهد تا خواستها و اهداف استعمار جهانی را بر آورده ساخته کشور ما را به یک مستعمره مقهور امپریالیزم مبدل سازد و طرف دیگر تلاش دارد تا به نمایندگی از ارتجاع‌ها منطقه، در بهترین صورت از افغانستان "صوبه پنجم پاکستان" و یا هم دنباله ایران

بسازد، جنگ کنونی ماهیت جنگ نیابتی داشته، گذشته از نقش مستقیم امپریالیزم در ادامه و تشدید جنگ، سایر نیروها نیز به نمایندگی و نیابت از منافع پیدا و پنهان این و یا آن کشور، در گیر جنگ می باشند.

و اما این که چه تعداد جنگ نیابتی در افغانستان جریان دارد، یکی از نکات است که باز هم کشور ما را با تأسف در رأس کشور های مشابه قرار می دهد، چه گره خوردن تضاد های منطقه ئی و جهانی در افغانستان و کشمکش آنها جهت تأمین منافع هریک شان، افغانستان را به میدان بزکشی آزادی تبدیل نموده که زمانی تیم ها در مقابل هم و زمانی هم هر سوارکاری صرف برای خودش می خواهد اسپ را به دایره حلال برساند. از جمله:

تضاد ستراتیژیک بین پاکستان و هندوستان، که پاکستان می خواهد حد اقل افغانستان را در یک رویارویی مستقیم با دومی به مثابه "عمق ستراتیژیک" خودش داشته باشد و از همین سبب مانع هر نوع حضور دومی در افغانستان است، در نقطه مقابل اهداف ستراتیژیک هندوستان است که می خواهد حد اقل از طریق زیر فشار قرار دادن پاکستان در نواحی مرزی با افغانستان به خصوص منطقه بلوچستان، از یک جانب پاکستان را وادار به حل مسأله کشمیر به نفع خود نماید، از جانب دیگر امکان دسترسی جمهوری خلق چین را در استفاده از بندر گوادر از بین ببرد.

این دو کشور که فعلاً هر دو به مثابه قدرت های اتومی منطقه ئی اعمال نفوذ می نمایند، خلاف گذشته ها که در همچو مواردی مقابل هم دیگر ایستاده، در جریان سه جنگ تمام عیار، به میلیونها کشته، زخمی و بیجا شده از خود در قفا گذاشتند، اینک به جای تقابل مستقیم و تحمل هزینه های فوق العاده، اولی دست طالبان را گرفته، چند میهنفروش را در زیر نام طالب و یا گلبدین و یا داعش به میدان جنگ می فرستد و دیگری دیروز شورای نظار و جمعیت و امروز در کنار اشغالگران ناتوئی اداره مستعمراتی کابل را تقویت می نماید.

در چنین حالتی نه آن که در صف طالب قرار دارد برای افغانستان و مردمش داخل جنگ شده و نه هم آن دیگری که زیر پرچم امریکا و هندوستان آدم می کشد، بلکه هر دو روند چه بخواهند و چه هم نخواهند به مثابه سرباز مزدور در خدمت منافع دشمنان افغانستان و مردم آن قرار داشته، به نیابت از پاکستان و هندوستان، گاهی بر روی همدیگر مگر عمدتاً بر روی مردم بی گناه افغانستان شمشیر کشیده، با قتل های عام و تخریب هست و بود آنها، کارنامه جنایات شان را سنگین تر می سازند.

به همین سان تضاد میان ایران در یک طرف و عربستان سعودی و کشور های خلیج فارس در طرف دیگر و حامیان پشت پرده آنها امپریالیزم جنایتگستر امریکا و اسرائیل را می توان نام برد. بازتاب همین تضاد بود که در جریان دهه ۹۰ میلادی باعث درگیری های خونین بین حزب "وحدت اسلامی" نوکر ایران و "اتحاد اسلامی" نوکر عربستان سعودی گردیده، هر دو طرف جنایاتی را مرتکب گردیدند که تا آن زمان حتا جنایتکارانی از قماش "امیر عبدالرحمان"، "هاشم جلاد" و مجموع باندهای خلق و پرچم حتا فکر انجام آن را نکرده بودند. واضح است که آن درگیری ها نیز هیچ یک در جهت تأمین منافع مردم افغانستان نبوده، یک جنگ نیابتی تمام عیار بود.

تضاد بین چین و روسیه در یک طرف و تمام کشور های امپریالیستی غرب زیر قیادت امپریالیزم جنایتگستر امریکا در طرف دیگر، خلاف دیروز که چین هم در کنار غرب قرار داشته و در عمل با تقویت "اسلام سیاسی" گذشته از دامن زدن به یک جنگ نیابتی علیه حریف مقتدرش در آن یعنی شوروی سوسیال امپریالیستی، باعث ضربت خوردن نیروهای انقلابی افغانستان که شجاعانه علیه تجاوز امپریالیستی و دولت دست نشانده آن از جان خویش مایه می گذاشتند، گردیده، کشور ما را به سمت اسارت جدید سوق داد؛ امروز شواهدی از همکاری روسها و چینیائی ها و حتا ایران در تقویت طالب، ذهن انسان را به شکل گیری جنگ نیابتی جدیدی سوق می دهد.

به همین سان می توان به درازای لست گره خوردن تضاد های منطقه ئی در افغانستان، از تضاد چین و هند گرفته تا تضاد ایران و ترکیه، از تضاد انگلستان و امریکا گرفته تا تضاد پاکستان و ترکیه و ده ها تضاد دیگر، امکان بروز و هسته های جنگهای نیابتی را در افغانستان مشاهده نمود. هسته هائی که هر لحظه با تغییر اوضاع و حدت یابی آن تضاد ها در بیرون از افغانستان، بازتاب مستقیم آن در افغانستان به تقابل مسلحانه خواهد انجامید.
این رشته سر دراز دارد...